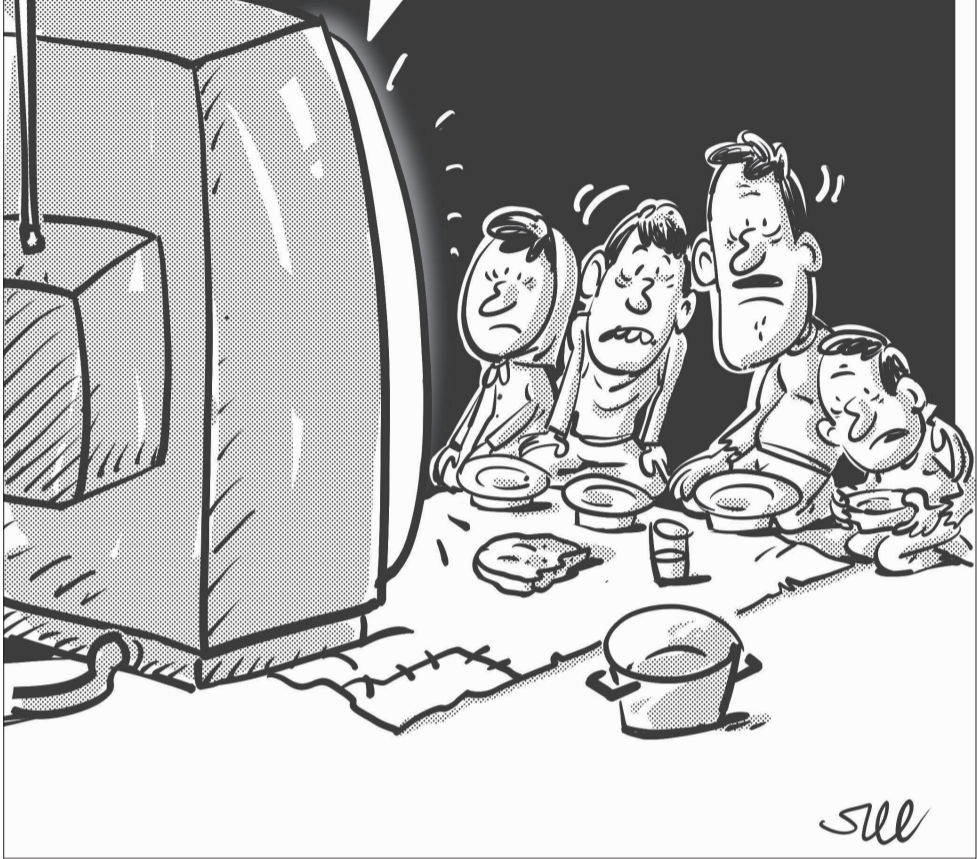




محمد رضا تقی

مجلس بودجه صدا و سیما را سه برابر کرد

وحالا آموزش دنده کباب در برنامه هنر آشپزی



still

یک روند تورمی را شاهد هستیم که در کنار عوامل سیاسی، بر افزایش نرخ ارز تاثیر می‌گذارد.

رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی با اشاره به معضلات ناشی از قیمت‌گذاری دستوری در ارز، ادامه داد: «بارها تاکید کرده‌ام که قیمت‌های دستوری جوابگوی وضعیت اقتصاد ایران نیست. تجربه نشان داده است که این کار منجر به مشکلات بیشتری خواهد شد. وقتی نرخ بنزین در ایران در مقایسه با کشورهای همسایه بسیار پایین است، شاهد قاچاق آن هستیم. دارو هم چنین وضعیتی در کشور دارد. وجود این مسائل نشان می‌دهد که باید یک سیاست متناسب با وضعیت اقتصادی را در نظر بگیریم که به‌طور قطع می‌توان گفت قیمت‌گذاری دستوری چاره آن نیست.»

مجتهد در پاسخ به این سوال که با توجه به در پیش بودن انتخابات، آیا شاهد تلاش برای کاهش قیمت دلار از سوی دولت خواهیم بود؟ گفت: «دولت تلاش می‌کند که مانع صعود ارزش ارز شود و قیمت را کاهش کند. اما منابع ارزی کشور محدود است. دولت برای اینکه نرخ ثابت نگه دارد، چند میلیارد دلار به بازار تزریق می‌کند، با چنین تصمیمی، ذخایر ارزی ما بدون هیچ‌گونه تاثیرگذاری بلندمدت، هدر می‌رود. مقامات به این مسئله اشاره کرده‌اند که مردم مقادیر زیادی ارز به‌خصوص دلار در خانه‌ها نگهداری می‌کنند. هر بار که نرخ بازار آزاد و نرخ رسمی زیاد می‌شود، این تقاضا در بازار به وجود می‌آید. نقدینگی در کشور زیاد است اما عدم اطمینان و عدم ثبات اقتصادی و سیاسی باعث می‌شود که مردم به حفظ ارزش دارایی‌های خود بیشتر اهمیت بدهند. در این شرایط هر چه بتوانند در این راه به آنان کمک کند، مورد استقبال قرار می‌گیرد. این امکان وجود دارد که یک روز طلا مورد استقبال قرار بگیرد، روزی دیگر دلار یا حتی زمین، مسکن و خودرو. چنین وضعیتی است که یک کالای مصرفی مثل خودرو را به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل می‌کند.»

مجتهد با اشاره به اینکه این عوامل در مجموع به سیاست‌گذاری‌های سال‌های اخیر در شرایط انتخاباتی و غیرانتخاباتی وابستگی دارد، اعلام کرد: «مسئله اقتصاد ما مشخص است اما سیاستمداران فکر می‌کنند که می‌شود همه چیز را با دستور حل کرد. اکثر اوقات نیز روز سیاستمداران می‌چربد چون آن‌ها تصمیم آخر را می‌گیرند. این شرایط مشکلات زیادی برای کشور به وجود آورده است.»

رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ضمن تاکید بر نامشخص بودن توقف قیمت ارز در یک رقم قابل پیش‌بینی، روند کلی قیمت ارز را صعودی ارزیابی کرد و ادامه داد: «با توجه به شرایط کشور و نزدیک بودن انتخابات، نمی‌شود قیمت مشخصی را پیش‌بینی کرد. ممکن است دستور برسد که نرخ ارز تا انتخابات پایین نگه داشته شود. اثر کوتاه‌مدت این دستور، هدررفت منابع ارزی برای پایین نگه داشتن قیمت است. فرض کنیم که این دستور صادر و قیمت پایین نگه داشته شد، بعد از آن چه باید کرد؟ شاید در کوتاه‌مدت بشود قیمت ارز را پایین نگه داشت اما این روند در بلندمدت صعودی خواهد بود.»

با توجه به اظهارات کارشناسی در این باره، نمی‌توان انتظار داشت که قیمت دلار بار دیگر به کمتر از ۵۰ هزار تومان کاهش یابد؛ مگر اینکه رخدادهای سیاسی به‌گونه‌ای برای کشور رقم بخورد که در نهایت موجب رفع یا کاهش تحریم‌ها شود. خواسته یا ناخواسته آثار تحریم‌ها تنها در بخش تجاری موجب شده تا امسال با کسری ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلاری تراز تجاری مواجه باشیم؛ امری که آثار خود را بر میزان ارز مورد نیاز کشور خواهد داشت. براساس اطلاعات منتشرشده در سایت‌های خبری ارزش دلار در بازار آزاد، صرافی ملی، بازار متشکل ارزی و سامانه سنا همگی نسبت به هفته اخیر رشد داشته است هر چند به جز بازار آزاد در سایر بخش‌ها قیمت‌ها، کنترل شده است.

انتقاد از هدررفت منابع ارزی برای پایین نگه داشتن قیمت

احمد مجتهد، رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، درباره عوامل تاثیرگذار بر افزایش نرخ ارز به خبرنگار «هم‌میهن» گفت:
«عامل اصلی افزایش نرخ ارز، عامل سیاسی است. ترکش تحولات اوکراین و غزه تا حدودی به ما نزدیک‌تر شده است. وقوع چنین تحولاتی مردم را نگران می‌کند. در چنین شرایطی مردم به سمت دارایی‌هایی می‌روند که ارزش آن بالا برود و یا حداقل حفظ شود. عامل سیاسی بدون هیچ تردیدی بر این وضعیت تاثیر دارد. اگر در آینده آرامشی در عوامل مؤثر سیاسی به وجود بیاید، بر کاهش نرخ ارز نیز تاثیر می‌گذارد.» او ادامه داد:
«عامل بعدی را باید نرخ تورم بدانیم. تورم حدود ۵۰ درصد، بر افزایش قیمت ارز تاثیر می‌گذارد. اگر تورم کاهش یابد، نرخ ارز نیز پایین خواهد آمد. به‌رغم اینکه دولت سعی کرده تا نرخ واردات کالاهای اساسی را ثابت نگه دارد، اما به نظر می‌رسد که احساس کرده باید تغییر و تحولی در این مسئله ایجاد شود. افزایش نرخ ارز، بر افزایش قیمت کالا، خدمات، دستمزد و بیمه کارگر نیز اثر می‌گذارد و تنها بر قیمت کالاهای وارداتی تاثیرگذار نیست. برای مثال، خودروهایی را در نظر بگیرید که قطعات وارد و اینجا در کارخانه مونتاژ می‌شود. با توجه به شرایط، باید دستمزد کارگر افزایش پیدا کند که بر قیمت این خودرو نیز تاثیر می‌گذارد. این افزایش هزینه، به غیر از هزینه‌های واردات است. همه این‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که دولت افزایش نرخ دستمزد کارگر را کمتر از تورم در نظر گرفته است. در چنین شرایطی، کارفرما مجبور است که از راه‌های دیگر این کمبود را جبران کند.» این کارشناس ارزی معتقد است: «یارانه‌هایی که پرداخت می‌شود، دردی از مردم دوا نمی‌کند. مرهمی برای مشکلات اساسی اقتصادی خانواده‌ها نیست. در شرایط فعلی، هزینه‌های دولتی نیز افزایش پیدا کرده است. با ترندهای مختلفی، قیمت برق، گاز و مانند آن بالا رفته است. مالیات‌ها صعودی هستند و افزایش پیدا کرده‌اند. در مجموع،



احمد مجتهد، رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، درباره عوامل تاثیرگذار بر افزایش نرخ ارز به خبرنگار «هم‌میهن» گفت:

ادامه یادداشت سردبیر

خود بی‌نصیب نمی‌گذارد. مواجهه‌ای که نشان می‌دهد فراربان زندان قصر، چه در دوران پیش و چه در دوران پس از زندان، در زندانی بزرگ‌تر گرفتار بوده‌اند. آنان زندانی تفکر ایدئولوژیک چپگرایانه و ضدامپریالیستی بوده‌اند که حزب توده را وامی داشت در اوج دوران اعتبار و نفوذ اجتماعی‌اش (نیمه اول دهه ۱۳۲۰)، هرچه سرمایه‌اندوخته بود؛ پای طرح‌های غیرملی چون واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی و با حمایت از جمهوری خودخوانده فرقه آذر بایجان بریزد. خطاهایی چنان بزرگ که گرچه دهه‌ها از آن می‌گذرد، همچنان حزب توده را در جایگاه نیروی غیرملی تعریف می‌کند. بار این خطای بزرگ، چنان بود که حزب توده را هیچ‌گاه در سال‌های پس از «فرار از قصر»، در موقعیت نیروی محوری و لیبر در میان طیف گسترده اپوزیسیون رژیم پهلوی قرار نداد و حتی خود نیروهای چپ هم برای آن، چندان اعتباری قائل نبودند. در مقطع انقلاب و سال‌های پس از آن نیز، گرچه کیانوری و یارانش با معرفی خود به‌عنوان نیروی در چارچوب «خط امام» و محور «جبهه بزرگ ضداامپریالیسم» تلاش داشتند، طرحی پیچیده و چندلایه را پیش ببرند و به سوی رژیم شورایی بروند، عملاً در جایگاه نیروی دنباله‌رو و توجیه‌گر تحولات رادیکال سال‌های نخست انقلاب قرار گرفتند و نهایتاً، این خود توده‌ای‌ها بودند که از انقلابیون مسلط بازی خوردند و حاصلی از پروژه پیچیده خود، زندان و پایان نبردند. آن‌هم در شرایطی که همچنان بابت عملکرد خود در دهه ۱۳۲۰ متهم بودند. چنان‌که در فیلم، صحنه‌ای است که در آن کیانوری در یک سخنرانی انتخاباتی پس از انقلاب خطاب به رقبای و مخالفان سیاسی و رسانه‌ای حزب، با لحنی کنایه‌آمیز از آنان می‌خواهد در نقدها و مقالات و روایت‌های خود کم‌کم از پرداختن به حوادث و رویدادهای ۳۰ سال قبل (منظور، ماجرای نفت شمال و جدایی آذربایجان) دست بردارند و به مواضع این حزب درباره شرایط حال و آینده بپردازند. اما قضاوت در قبال یک نیروی سیاسی خیلی بی‌رحمانه‌تر از آن است که بتواند چنین انتظاری را برآورده سازد. مخصوصاً که حزب توده، از ابتدای تاسیس تا پایان حیات سران آن، همچنان در بند همان ایدئولوژی‌ای ماند که خطاهای دهه ۱۳۲۰ از آن سرچشمه می‌گرفت و روشن بود که اینها نه «خطا» که یک «خط» است. خطی که حتی همین امروز هم در مقالات و تحلیل‌های رسانه‌هایی چون «بیکنت» در دفاع از منافع روسیه در ایران و سیاست‌های آن مثلاً در جنگ اوکراین قابل مشاهده است. مستند «فرار از قصر» نیز با روایت گذشته و آینده سران فراری حزب توده، نشان می‌دهد چگونه آنان با همه تفاوت‌های شخصیتی که با یکدیگر داشتند، در یک بند ماندند و عمر خود را پای خیالی خام گذرانند. و در این خط، همه راه خطا رفتند؛ چه نوشین هنر مند، چه روزبه جنگاور و چه کیانوری و جودت ویزدی سیاستمدار...

چهره‌هایی که به لطف فعالیت مخفی سازمان افسران حزب توده و مهارت آنها در طراحی و اجرای عملیات، توانستند از زندان خارج شوند و به‌زعم خود، دوران نوینی از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی را سازماندهی کنند. آن‌هم در شرایطی که هنوز شاه جوان و دربار، بازیگر جدی و تعیین‌کننده‌ای در فضای سال‌های دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ نبودند و در این فضا، گرچه حزب توده عملاً توانست موقعیت نفوذ سیاسی-اجتماعی خود در نیمه نخست دهه ۱۳۲۰ را تکرار کند؛ اما باز هم، آن قدر فضا داشت که به‌عنوان نیروی مؤثر با ابزارهای رسانه‌ای و پایگاه اجتماعی قابل توجه، خودنمایی کند. گرچه، در تحلیل نهایی، همین فعالیت نسبی حزب توده و متهم شدن محمد مصدق به جلب حمایت آنان، یکی از بهانه‌ها و زمینه‌های شکل‌دهی ائتلاف مخالفان داخلی و خارجی دولت مصدق بود؛ تا آنجا که برخی اسناد و روایت‌ها از شکل‌دادن نیروهای تندرو از سوی عوامل داخلی بریتانیا و شرکت نفت ایران و انگلیس، حکایت دارند که تندروی‌های خود را تحت لوای حزب توده و حامیان مصدق اجرا می‌کردند تا بدنه اجتماعی و متحدان سنتی و مذهبی دولت وقت را در حمایت خود از مصدق دچار تردید کنند و حتی بر سیاست‌ها و تصمیمات واکنش در قبال تهران، اثر منفی بگذارند (راویان، این گروه را تحت‌عناوینی چون «توده‌نفتی» یا «توده انگلیسی» صورت‌بندی می‌کنند). فرار سران حزب توده در چنین فضایی بود که اهمیت داشت و همچون حلقه اتصال بود که دوران طلایی (گرچه مستعجل) حزب در نیمه اول دهه ۱۳۲۰ را به دوران جدید و فضای نهضت ملی شکل می‌داد. تیزبینی سازنده «فرار از قصر» دقیقاً در همین جاست که خود را درگیر ماجرای فرار نمی‌کند و مستند سیاسی-تاریخی خود را در سطح روایت یک عملیات پارتیزانی پایین نمی‌آورد. به عبارت دقیق‌تر، «فرار از قصر» نه به روایت فرار زندانبان سیاسی که به تحلیل و تبیین لحظه سیاسی-تاریخی این فرار می‌پردازد و این لحظه را که پلی بین دو دوران حزب توده (نیمه نخست دهه ۱۳۲۰ و دوران پس از فرار) است؛ فرصتی می‌بیند تا گذشته و آینده این حزب و به‌ویژه سران آن را روایت کند. اگر از این منظر به مستند عمادی بنگریم، او را در حال روایتی می‌یابیم که نشان می‌دهد حزب توده و سران آن (به‌ویژه نورالدین می‌یابیم) بر مبنای تحلیلی که از معادلات جهانی داشتند، مدام بر «امپریالیسم» و نمایندگان داخلی آن (از رژیم پهلوی تا دولت موقت) می‌تاختند و در جهت پیشبرد این سیاست‌تهاجمی، برای هر ائتلافی آمادگی داشتند و با هر نیروی (مذهبی و غیرمذهبی) نیز می‌ساختند. گرچه در این مستند، همچون عموم روایت‌هایی که طیف‌های اقلیت و مخالف درونی حزب توده ارائه می‌دهند، انگشت اتهام متوجه کیانوری و نیروهای همسوی اوست؛ اما در عین حال، سایر چهره‌ها و سران حزب را نیز از مواجبه انتقادی

فعلی مشخص است. با وجود داشتن قانون سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی، قانون اجرا نمی‌شد اما در این دوره، مجلس به دولت فشار آورد تا این قانون عملیاتی شود.

او افزود: «علاوه بر قانون مالیات پایانه‌های فروشگاه‌ها، قانون مالیات بر خانه‌های خالی، خودروها و خانه‌های لوکس و اخیراً مالیات بر عایدی سرمایه و سوداگری نیز در این دوره از مجلس مصوب شد تا جهت گیری مالیاتی کشور تغییر کند. در سال گذشته و امسال قریب بر ۸۴ درصد به تعداد مؤدیان مالیاتی افزوده شده است. در حقیقت تعداد مؤدیان تقریباً دو برابر شده و به اندازه مؤدیانی که مالیات می‌دادند، مؤدی جدید شناسایی شده است. هر فرد شاغل در کشور باید مالیات بپردازد.»

این نماینده مجلس با اشاره به اینکه متأسفانه فرار مالیاتی در کشور بیداد می‌کند، گفت: «من یک شرکت را می‌شناختم که در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۶ میلیارد تومان، در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۸ میلیارد و در سال ۱۴۰۲ تقریباً ۱۵۰۰ میلیارد تومان مالیات پرداخت کرده است. این افزایش چشمگیر به دلیل فرار مالیاتی این شرکت بود و ساختار مالیاتی کشور آن را شناسایی کرده و در طریق قوانینی که در مجلس مصوب شده از فرار او پیشگیری کرده است. از سوی دیگر مجلس تاکید دارد که به مؤدی فعلی فشار مالیاتی تحمیل نشود و به صورت مستمر این موضوع را رصد می‌کند. مالیات بر سوداگری و مالیات بر سرمایه‌های را کد قطعاً اخذ مالیات را تشدید کرده و کمک می‌کند که دولت به میزان مالیات به‌دست‌آمده از سهم تولید کم کند.»

عضو هیئت‌رئیس کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس بیان کرد: «باید ببینیم که می‌توان کشور را با مالیات اداره کرد. میسر شدن این امر، پایان تورم و اشکالات اقتصادی در کشور است. اقتصاد کشور بیمار است چرا که کشور را بر مبنای پول پر قدرت خارجی اداره می‌کنیم. باید بتوانیم اقتصاد را از زایش درونی اداره کنیم تا تورم کنترل شود.» او در پاسخ به اینکه اگر کشور با مالیات اداره شود، پول نفت چه می‌شود؟ مگر کشورهای عربی با پول مالیات اداره می‌شوند؟ گفت: «کشورهای عربی سرمایه‌ها را جذب می‌کنند. امارات و حتی به‌تازگی عربستان سرمایه‌ها را در کشور توزیع نمی‌کنند بلکه آن‌را سرمایه‌گذاری می‌کند. در حالی که در ایران از سال ۱۳۵۰ - که درآمد نفت در کشور توزیع و تبدیل به هزینه جاری شد - اقتصاد کشور دچار مشکل شد و تورم افزایش یافت. اگر درآمد نفت به سرمایه‌گذاری تبدیل شود به زایش درونی تبدیل می‌شود.» عناصتانی در پاسخ به این اظهار نظر که عملکرد دولت‌ها تاکنون حاکی از آن است که اگر کشور با مالیات اداره شده و درآمد حاصل از فروش نفت سرمایه‌گذاری نمی‌شود، تاکید کرد: «ما نمی‌توانیم از ترس تب بمیریم و بگوییم دولت‌های پیشین ضعف داشتند پس کاری انجام نمی‌شود و باید خودکشی کنیم. معتمد دردهای کشور به‌ویژه درد اقتصادی در مان دارد. این دولت حداقل در حوزه مالیاتی عملکرد قابل قبولی داشته است.»

امر اختصاص یابد. بنابراین با کسری بودجه روبه‌رو خواهیم شد که برای حل این مشکل باید پول چاپ شود که این امر منجر به افزایش نقدینگی می‌شود.»

عدم توانایی دولت در ایجاد اعتمادسازی

اصغر سلیمی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز درباره افزایش سهم مالیات در بودجه ۱۴۰۳ به هم‌میهن گفت: «مجلس یازدهم برای کمک به دولت قوانین مربوط به تسهیل کسب‌وکار، روابط بین‌الملل و... را مصوب کرده است. در حقیقت به دلیل کمک‌هایی که مجلس کرده دست دولت برای ایفای نقش باز بوده است.» او افزود: «البته دولت نباید بیشترین منابع درآمدی بودجه سال آینده را از محل مالیات‌ها تأمین کند. وظیفه دولت فراهم کردن زیرساخت‌های تولید و صنعت است و اگر سهم مالیات منابع درآمدی بودجه افزایش یابد، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، مالیات‌های سنگین اجازه سرمایه‌گذاری در تولید و صنعت را سلب می‌کند.» او تاکید کرد: «صاحبان حوزه کسب و کار و تولید دچار مشکل می‌شوند و مالیات‌های وضع‌شده را از مصرف‌کننده دریافت می‌کنند. در حقیقت این هزینه‌ها با هم از جیب مردم پرداخت می‌شود. به همین دلیل دولت نباید درآمد‌های خود را از منابع دیگری - به جز مالیات - کسب کند.»

نماینده سمریم در پاسخ به این سوال که دولت باید چه منابعی را جایگزین مالیات کند؟ گفت: «دولت می‌تواند منابع حاصل از صادرات، گردشگری، معادن، پتروشیمی و... را جایگزین مالیات کند. اما موضوع مهم این است که دولت بتواند مشارکت در سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و با بهره‌گیری از نخیکان و کارشناسان این منابع را فعال کند. در غیراین صورت سرمایه‌گذاری صرفه اقتصادی نداشته و سرمایه‌ها از کشور خارج می‌شوند. مهم‌ترین وظیفه دولت اعتمادسازی است برای جذب سرمایه‌های مالی، انسانی و نخیکان و کارشناسان.» سلیمی در پاسخ به این سوال که آیا این اراده اعتمادسازی برای سرمایه‌گذاران و به‌کارگیری از نخیکان و متخصصان در دولت فعلی وجود دارد؟ تاکید کرد: «فعلاً این اراده را تاکنون ندیده‌ایم.» او در پاسخ به این سوال که دولت راه ایجاد این اعتمادسازی و به‌کارگیری را بلد نیست یا توانایی آن را ندارد؟ گفت: «هر دو، نه راه ایجاد را بلد است و نه توانایی این مهم را دارد.»

افزایش ۸۴ درصدی تعداد مؤدیان مالیاتی

علی اصغر عناصتانی، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره بودجه‌ریزی بر پایه مالیات تاکید کرد: «جهت‌گیری مالیاتی در ساختار



علی اصغر عناصتانی، عضو هیئت‌رئیس کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره بودجه‌ریزی بر پایه مالیات تاکید کرد: «جهت‌گیری مالیاتی در ساختار